



# تأملی در استراتژی و اصول مقاومت از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup>

به قلم  
فروز رجایی‌فر

۵) جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم، انشای الله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی‌های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند، و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است!

۶) ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم

۷) ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرت‌ها با خود بگذارند، مگر این که خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند.

۸) هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دنیای دون امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با آمریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند، این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب بی‌شهادت میسر نیست، من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

۹) نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند، به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند.

- ۱۰) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۱ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۱) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۲ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۲) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۳ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۳) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۵ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۴) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۶ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۵) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۸ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹
- ۱۶) صحیفه نور ج ۲۱ صفحه ۸ تاریخ: ۶۷/۶/۱۴
- ۱۷) صحیفه نور ج ۲۱ صفحه ۱۰۸ تاریخ: ۶۸/۱/۲
- ۱۸) صحیفه نور ج ۲۰ صفحه ۲۳۷ تاریخ: ۶۷/۴/۲۹

[www.edalatkhahi.ir](http://www.edalatkhahi.ir)

[info@edalatkhahi.ir](mailto:info@edalatkhahi.ir)

۰۲۱۸۸۹۳۸۸۲۱





۱) ما با اعلام براهت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم، و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و انشای الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زند و اثبات کنند که ابرقدرت ها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.



۲) البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم، و دیر یا زود ملت های در بند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی - حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد جلوگیری می کنیم.



۳) ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم، ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی داریم. جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانس ها و مصاحبه ها و سخنرانی ها، پرده از اسرار جنایت بار آمریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود. و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورد.



۴) ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با القاب مبارزه بیگانه اند. و آنها هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند، آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند، و تنها آنها هم تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و بر پادارندگان واقعی انقلاب ها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.

پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا از لاک انزوای اختیاری خود خارج شد و با در پیش گرفتن شیوه‌ای مغایر با شعارهای به ظاهر انساندوستانه برخاسته از اندیشه لیبرال دموکراسی، در مسیر "استعمار نو" قرار گرفت. این قدرت تازه نفس با تعجیلی که ناشی از احساس عقب افتادگی از جریان غارت منابع سرزمینهای دوردست بود، بنا را بر این نهاد که با حفظ ظواهر و استفاده از عناصر مشروعیت بخش خویش در اذهان ملل دیگر، به جستجوی منافع بی پایان، در فراتر از مرزهای جغرافیایی خود بپردازد. در این روند، آزادی، استقلال و منابع مادی و انسانی و از آن مهمتر کرامت، سعادت و استعدادهایی به شمار از نسلهایی از انسانهای بیگناه به یغما رفت و حق حاکمیت ملی و تعیین سرنوشت خود با تحمیل دیکتاتورهای سفاک و جنایتکار دست نشانده و یا هم پیمان با آمریکا تزیین گشت. نزدیک به چهار دهه خاک بسیاری از کشورها عرصه رقابت دو ابر قدرت غربی و شرقی قرار گرفت و اگر چه "توازن وحشت" ایجاد شده بنوعی جهان را از وقوع جنگ سومی در جهان ایمن داشت؛ لکن نزاعی مستمر و جانکاه را بر ملتهای ضعیفتر تحمیل نمود که در چشم انداز نامتقارن قوای درگیر، نیل به استقلال و توسعه و پیشرفت بیش از آرزویی محال نمی نمود. در روند کشمکش محرومان و مهاجمان تا آخرین دهه قرن بیستم، شمار دخالتهای آمریکا در سراسر جهان در اشکال عملیات مستقیم نظامی و عملیات پنهانی کودتا به بیش از ۵۵ مورد رسید.

کشور پهناور ایران با سابقه درخشان تمدنی بزرگ، فرهنگی غنی، ملتی آگاه و ذخایری سرشار نیز از دست تعدی امپریالیست جوان در امان نماند و قربانی تباری تباری و دخالت آشکار دو قدرت استعماری گردید، آن گاه که طی یک عملیات مشترک در ۱۹۵۳ م. دولت ملی و منتخب مردم ایران ساقط شد. پس از سقوط دولت مرحوم دکتر محمد مصدق، آمریکا به مدت بیش از ۲۵ سال نظامی بدکار و بدنام را بر ایران حاکم کرد که با ایجاد جو جهنمی سرکوب و ارباب، مردم ایران را از طبعی ترین حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم نمود و در عوض و به جبران حمایت استعمارگران از خود، تمامی منابع مادی و استعدادهای ژئوپلیتیک کشور را در

فرموده و به پیگیری عملی خط وحدت شیعه - سنی در درون نظام اسلامی ایران و همچنین در سطح جهان اسلام پرداختند. این آرمان که نزد بزرگان علوم دینی اهل سنت و در حوزه‌های علمیه بزرگ خاورمیانه نیز حامیان جدی داشت، امروزه بعنوان یکی از ارکان و اصول مقاومت و وحدت نهضت جهانی اسلام به رسمیت شناخته می‌شود که به سبب آثار پر برکت مترتب بر آن، محور امپریالیسم - صهیونیسم را به وحشت‌انداخته و به طرح دسیسه‌های متعدد و متنوع در خنثی‌سازی آرمان وحدت و برپایی آتش تفرقه و دشمنی در میان مسلمانان واداشته است که هوشیاری مضاعف جبهه مقاومت را برای ناکام گذاشتن جبهه استکبار طلب می‌کند.

همچنین هم‌افزایی عناصر قدرت اعضای جبهه مقاومت و به اشتراک گذاشتن امکانات مادی و معنوی آنها سبب بی‌نیازی به منابع خارج از جبهه و استقلال عملی از سیاست‌گذاری تحمیلی و اعمال نفوذ قدرتها و انحراف مسیر واهداف حرکت انقلابی علیه قطب متجاوز می‌گردد. در این خصوص حضرت امام خمینی نه تنها قائل به ضرورت تشکیل «هسته‌های مقاومت حزب الله» در سراسر جهان بودند، بلکه با افزایش دایره حمایت معنوی و مادی خود به دیگر اعضای جبهه مقاومت می‌فرمایند: «ما به پیروی از اسلام بزرگ از جبهه مستضعفین حمایت می‌کنیم و هر سازمانی در جهان را که برای نجات کشور خویش بپا خاسته است پشتیبانی می‌کنیم».

بدیهی است این مقال هرگز بنا ندارد که آرمانهای گرانقدر قائد شریف انقلاب اسلامی ایران در حوزه مقاومت اسلامی را محصور و منحصر به آن چه آمد بدانند؛ بلکه بر این باور است که با هر بار مرور بر مکتب سیاسی حضرت امام خمینی می‌توان از مزرع اندیشه‌های بلند معظم له خرمناها برگرفت. این مهم بر دوستداران صدیق و باورمندان به راه پاک و ناب آن امام همام واجبی عینی است.

اختیار بیگانگان قرار داد. وجه دیگر وابستگی نظام پهلوی تحمیل فرهنگ غربی و مبارزه با هویت مذهبی ملت ایران بود که مخالفت و مبارزه با ظلم ریشه در آن داشت.

انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹م. ذیل رهبری حضرت امام خمینی، با جوهره بازگشت به اصالت خویش و اتکا بر فرهنگ و تعالیم مذهب شیعه نقطه پایانی بر جنایتها و خیانت‌های عامل آمریکا نهاد و تغییر نظام باستانی شاهنشاهی در ایران را به ارمغان آورد، نظامی که‌نسال مبتنی بر توارث قدرت، که امکان اعاده حق مردم درانتخاب حاکمان و مشارکت سیاسی آنان وجود نداشت. وقوع انقلاب دوم - تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران - ۱۹۸۰م. فصل جدیدی را در تاریخ مناسبات دو کشور رقم زد که بر مبنای آن سطح مبارزه ملت انقلابی ایران از رویارویی با ایادی استکبار در داخل کشور به درگیری مستقیم با آمران و غارتگران ارتقا یافت و ملت ایران با تحمیل ۴۴۴ روز گروگانگیری جاسوسان آمریکایی در ایران، شکست سنگینی را بر هیمنه ابرقدرتی نظام استکبار وارد ساخت. همچنین در این روند حکومت نوپای ایران با اعلام حمایت قاطع از کلیه مستضعفان جهان و خصوصاً ملت مظلوم فلسطین در تنازع کامل سیاسی با رژیم غاصب صهیونیستی قرار گرفت که به عنوان بازوی سیاست‌های امپریالیسم در منطقه خاورمیانه عمل می‌نمود و از این جهت پیمان صلح "کمپ دیوید" میان انورالسادات رییس جمهور معدوم مصر و رژیم غاصب را بشدت محکوم و در اعتراض به آن با مصر قطع رابطه کرد.

با گسترش عرصه مبارزه و شکل‌گیری ابعاد جدید دسیسه‌های شیطان بزرگ چون عملیلت تروریستی منافقین علیه نیروهای انقلابی و جنگ تحمیلی، سطح جدیدی از اهداف سیاسی و اعتقادی معین شد که تحت هدایت هوشمندانه حضرت امام خمینی و استراتژی ترسیمی ایشان به پیروزیهای متعددی دست یافت که این مسیر پس از رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر علیرغم فشارهای رو به تزاید تداوم داشته است. تاسیس تشکلهای حماسه آفرین مقاومت اسلامی در منطقه، محصول دهاء و ذکاوت رهبری جوان در بیست سال خطیری بود که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده و با غلبه گفتمان سرمایه‌داری لجام گسیخته به سمت نظم نوین جهان تک قطبی به رهبری قطب کاپیتالیستی جهان میل کرده است. مهم آن که پس از فروپاشی ابرقدرت شرقی، آمریکا بدلیل فقدان رقیب سنتی ایدئولوژیک خود، و با توجه به ظرفیت عظیم مبارزاتی قرائت امام خمینی از اسلام و تاثیر امواج این انقلاب در برانگیختگی مسلمانان و حتی دیگر مستضعفان جهان، تفکر و نظام سیاسی ایران را از سطح دشمن منطقه‌ای به دشمن ایدئولوژیک ارتقا داده و به لحاظ موقعیت استراتژیک ایران در کنترل شاهراه انتقال انرژی به جهان صنعتی، برای کنترل گسترش آن



## وحدت جبهه مقاومت

سر فصل کتاب هدایت امام خمینی در دوران مبارزه علیه طاغوت ایران و منشاء استکباری آن، وحدت کلمه و اتحاد مردم حول محور اسلام و پس از پیروزی نیز با افزایش گستره مخاطبین دعوت اتحاد به مستضعفان جهان، پیگیری مطالبات مشروع و حقوق مشترک و منافع آنان بود.

ایشان با تفکیک جهان به دو قطب استکبار و استضعاف ضرورت وحدت جبهه مقاومت را که متشکل از کلیه مظلومین و قربانیان نظام سلطه جهانی می‌باشد مورد تاکید قرار داده و در این روند با تعیین «روز جهانی قدس» به عنوان روز همه مظلومین بلکه همه مستضعفین، نمادی مستمر در وحدت جهان استضعاف در برابر قطب استکبار می‌آفرینند.

از منظر امام «عدالت» مفهومی فراتر از «مساوات» ظاهری مطالبه شده در ایدئولوژی بلوک شرق بوده و محتوایی عمیق و گسترده دارد و با این تعریف، مواضع عدم اجرای عدالت به «ظلم» تعبیر شده و عامل آن «ظالم» و قربانی آن «مظلوم» شمرده می‌شود. به همین سبب جبهه مقاومتی که از سوی مظلومین شکل می‌گیرد، باید گرگهای در لباس میش را شناسایی کرده با تبیین شاخص‌های اصیل برای وحدت و خصومت، صفوف خود را از منافقین که با نفوذ در صف مبارزان، عامل بیگانگان سلطه‌گر جهت حفظ منافع و مطامع نامشروع خود می‌باشند جدا کند. در این روند همان گونه که فراتر از هر نظریه مبتنی بر تبعیض قومی، ملی و نژادی، اسلام بر ماهیت و هویت انسانی مردم تاکید می‌کند، در جایگاه وحدت هم با عبور از هر گونه فرقه‌گرایی کور و ناعادلانه، خطر تفرقه بین مسلمانان و اهل قبله را گوشزد می‌کند. بدیهی است معتقدین متعصب به تعالیم مذهبی که منفک از تفکر ملی‌گرایانند، با توجه به خاستگاه اعتقادی خود در معرض عقیده خطرناک «فرقه‌گرایی» و نوعی تعصب‌ورزی بی‌منطق می‌باشند که در چارچوب عمل به تکلیف دینی و نیت کسب ثواب و پاداش می‌تواند بسیار خطرآفرین‌تر از دیگر اشکال تبعیض‌گرایی باشد.

حوادث تلخ عراق و تحرکات مسلمانان و به ظاهر متشرع در حوزه حذف فیزیکی دیگر برادران مسلمان خود، به روشنی تاثیر نفوذ مغزهای وابسته به جریان امپریالیسم و صهیونیسم را در تقابل اربابان آنها با از دست دادن منافع استراتژیک خود در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد و حاکی از آن است که متأسفانه ناآگاهی سیاسی و فرقه‌های ساخته دست استعمار و استفاده از احساسات تند و خالصانه مذهبی بسهولت می‌تواند محمل مناسبی جهت سوء استفاده جبهه تجاوز ایجاد کند. حضرت امام خمینی (ره) با تشخیص خطر بزرگ فرقه‌گرایی به عنوان هدف بعدی استکبار در میان مسلمانان، با هوشیاری کامل به پرهیز از مناقشات تفرقه‌انگیز دستور

اقدام به اشغال عामدانه و آگاهانه همسایگان ایران نمود و علیرغم تحلیلهای ابتدایی که این اقدام را خطایی در جهت حذف دشمنان ایران و افزایش امنیت نظام اسلامی ایران ارزیابی می‌کرد، خود را برای رویارویی و نبرد مستقیم با فرزندان خمینی بزرگ آماده ساخت. به لرزه درآمدن پایه‌های رژیم جعلی اسرائیل و عامل نژادپرستی رسوای صهیونیستی، انگیزه دیگر آمریکا برای حضور تمام عیار نظامی در منطقه بود تا با افزایش تهدیدات علیه ایران و دیگر تشکیلات مقاومت اسلامی، بزعم خود ضریب امنیت رژیم غاصب را افزایش دهد.

باتحلیل جامعی از تحولات منطقه چنین بنظر می‌رسد که به دلیل عظمت معضلات پیش رو، دیگر خرده ایدئولوژیهای تاثیرگذار در میان مردم خاورمیانه از درون مایه و غنای کافی جهت مواجهه با دشمن اصلی و ایفای نقش موثر در تغییر معادلات قدرت برخوردار نمی‌باشند. با این ملاحظه مطالعه و تعمق در استراتژی مبارزاتی حضرت امام خمینی بعنوان آموزه‌های نابی که در مرحله اول موجب پیروزی ملت ایران بر رژیم شاه شد و در وهله بعد تداوم پایداری و استقامت نظام اسلامی ایران در هم‌آوردی با استکبار جهانی را تضمین کرد، ضرورتی انکار ناپذیر می‌نماید.

## منابع دریافت استراتژی مقاومت

در سپهر اندیشه سیاسی امام راحل سه منبع اصیل، قرآن کریم، سنت حضرت محمد رسول الله(ص) و سیره ائمه اطهار(ع) خصوصاً اهل بیت (س) تاثیر عمیق و ساختاری داشته است که برآیند آنها در اثر ترکیب و تطبیق با شرایط تاریخی و تحولات اجتماعی و سیاسی قرن بیستم به مجموعه‌ای غنی برای تبیین حقوق اساسی بشر و روشهایی جهت پیگیری و احقاق این مطالبات بر حق تکامل یافته است. این پیکره واحد که در عرصه عمل هم کارآمدی و توفیق خود را به اثبات رسانیده است می‌تواند مرجع مناسبی برای باورمندان به جریان مقاومت شناخته شود.

در آیات متعددی از قرآن کریم بر وجوب جهاد و قتال در راه حق و مبارزه با ظلم و تعدی متجاوزان و مترفان تاکید شده است. دسته‌ای از آیات نیز بر لزوم کسب توانمندی و ایجاد آمادگی در عرصه مبارزه و مقاومت تکیه می‌کنند. بر این اساس توانمندی لازم برای غلبه جبهه حق بر جبهه باطل، در دو جنبه احراز صلاحیت‌های درونی بر محور عبادات و اخلاق اسلامی و کسب قابلیت‌های بیرونی با تجمیع قوای مادی اعم از اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌باشد. آیاتی بر لزوم حفظ وحدت و رحمت، برادری و عدالت بین مبارزان و ضرورت غضب و شدت مومنان علیه ستمکاران و دشمنان تمرکز داشته و دسته دیگری صبر انقلابی و تداوم استقامت را برای نیل به فلاح و نجات توصیه می‌کنند.



کرده و مفهوم مقاومت را در محدوده دفاعی تعریف می‌نماید و از این باب به حرمت و محکومیت عقلی و شرعی «تروریسم» رای می‌دهد. ارزش مفهوم دفاعی مقاومت، در دلالت و ارجاع آن به دشمن واقعی است که مبارزان و یا تشکیلات مبارزاتی را از تجاوز به حقوق انسانهای بیگناه و غیر درگیر در منازعه باز می‌دارد. از منظر امام خمینی، اسلام سیاسی و انقلابی، فرهنگی متعالی است که با گسترش آن می‌توان مسلمانان تحت سلطه و دیگر مستضعفین جهان را در لوای یک نوع مبارزه جوانمردانه و اخلاق مدار به آزادی، کرامت، رهایی و سعادت رسانید. این گونه مقاومت، جریانی آرمان خواه و تعالی گراست که با برگزیدن اهداف مقدس و پاک و با تکیه بر افراد منزله از انحرافات اخلاقی، سیاسی و مفسد اقتصادی، عزم اصلاح جامعه خود و تاثیرگذاری در امنیت جهان پیرامون خود را دارد؛ بر این اساس مبتنی بر ضرورت جهاد اکبر در سطح فردی و پیگیری هر گونه نظامی گری و افزایش قوای نظامی در راستای تضمین صلح جهانی و ایجاد امنیت پایدار است. پیداست در این دیدگاه، چنانچه تحت شرایطی مقاومت ناچار به گزینش عملیات نظامی در حوزه نبرد نامتقارن باشد، توجه به اصول مبارزه مخفی تشکیلاتی و اطاعت از فرماندهی صالح و حفظ اسرار نظامی و عملیاتی از مهمترین جنبه های اخلاق مقاومت محسوب شده و اولویت دادن به عرصه مبارزه مسلحانه و مخاطرات آن از مکارم اخلاق مجاهدان است.

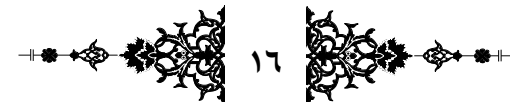
نظر به محدودیت امکانات و خلاء نسبی قدرت اقتصادی و نظامی در جبهه مقاومت اسلامی در مقایسه با جبهه استکبار، تاکید مجدد بر ابعاد فرهنگی انقلاب و به عبارت دیگر تدارک «ساز و کار جنگ نرم» علیه مستکبران ضرورت می‌یابد. اصل تبلیغات و بهره‌برداری از رسانه‌ها و تکنیکهای موجود برای ارتباط شبکه جهانی مستضعفان و تبیین ابعاد و زوایای فرهنگ اصیل اسلامی و اصول مبارزه و انتقال آن به دیگر ملتها به مثابه صدور یک محموله تسلیحاتی، از رؤس حرکت انقلابی امام خمینی است. ارسال نامه به آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی و دعوت وی به بذل توجه به فلسفه ادیان الهی از جمله تحرکات تبلیغی حضرت امام در حوزه رساندن پیام توحید به مردم جهان و رهبران سیاسی آنها بود که به لحاظ جایگاه ابرقدرتی شوروی در زمان صدور پیام بازتابی وسیع و به جهت تحقق پیش‌بینی فروپاشی آن نظام آهنین اهمیتی تاریخی یافت. صدور حکم ارتداد و اعدام سلمان رشدی نویسنده هندی تبار انگلیسی اقدام قاطع دیگر حضرت امام در مقابله با دسیسه‌های جبهه استکبار علیه مقدسات و لزوم هشجاری و آماده‌باش امت اسلامی در خنثی‌سازی هجوم فرهنگی دشمنان اسلام بود که به محض صدور موج عظیمی را در میان ملل مختلف اسلام ایجاد کرد و محافل علمی دینی را در این خصوص همسو و همگام نمود.

تاریخ صدر اسلام نیز روایتگر رنجها و رشادتهای مبارزان خالصی است که ذیل نعمت درک و هدایت نبی مکرم (ص) با تحمل شکنجه‌ها و شدیدترین محاصره‌های سیاسی و اقتصادی تا حد مرگ، به دفاع از اعتقادات خود ایستاده و در مقاطع ممکن و مقدور به امر تبلیغ دین و موازین اسلام اهتمام ورزیده و در زمان گشایش، به تدارک قدرت نظامی و مقاتله و جهاد با کافرین متجاوز پرداخته‌اند و در این مسیر با پذیرش اصل رهبری حسب ضرورت به تنبیه و بایکوت خائنین به جبهه حق اقدام نموده‌اند.

پس از پیامبر اکرم نیز دوران فتنه‌ها و اختلافات داخلی در جبهه خودی درسهای بیشماری را به مبارزین می‌آموزد و در نهایت فاجعه عاشورا در افق کربلا به حماسه‌ای بدیع از ماهیت قیام برای استقرار حق و مبارزه با جریان کبر و باطل تبدیل می‌شود که برای هر عنصر و یا جریان حق طلبی به مصداق «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، «انی لا اری الموت الاسعاده و الحیات مع الظالمین الا برما»، «مثلی لا یبایع مثلك» و «ان لم یکن لکم دینا فکونوا احرار فی دنیاکم» سرمشق تشخیص وظیفه و اقدام نهایی است. عمل به تعالیم مکتب ائمه اطهار(ع) و انتظار برای ظهور منجی عالم نیز موتور تداوم و ضامن استمرار تکالیف انقلابی امت اسلام می‌باشد.

### بازخوانی رابطه دین و سیاست

عدم جدایی دین از سیاست، در قالب لزوم ولایت فقها بر جامعه اسلامی از جمله «امور بدیهی است که تصور آن، بلافاصله موجب تصدیق می‌گردد و نیازمند نقل ادله نقلی و عقلی ن می‌باشد.» این نقطه عزیمت حضرت امام خمینی به مناقشه جدایی یا عدم جدایی دین از سیاست است؛ مدعایی که حیات طیبه خویش را در مسیر اثبات و تثبیت آن نهاد. امام راحل با طرح دلایل عقلی و نقلی به ضرورت لزوم تشکیل حکومت در اسلام پرداخته‌اند و بر این اساس معتقدند که پیغمبر اکرم(ص) خلیفه تعیین کرده‌اند و عقلا هم لازم بوده است تا خلیفه تعیین کنند که حکومت کند و قوانین را اجرا نماید؛ زیرا جعل قانون بتنهایی مفید فایده نیست و سعادت بشر را تامین نمی‌کند. قانون نیازمند مجری است و اسلام همان طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است که «ولی امر» مسلمین متصدی قوه مجریه و اجرای قوانین در اسلام هم هست و به گواهی تاریخ خود رسول الله (ص) هم مجری قانون بوده‌اند و در راس تشکیلات و دستگاه اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشته‌اند. به اطراف والی می‌فرستاده‌اند؛ به قضاوت می‌نشسته‌اند یا قاضی نصب می‌فرمودند و سفرایی را به خارج و نزد روسای قبایل روانه می‌کرده‌اند؛ معاهده و پیمان می‌بستند؛ جنگ را فرماندهی می‌کردند و در نهایت برای بعد از خود «حاکم» تعیین کرده‌اند؛ به این معنا که تداوم حکومت پس



از رحلت حضرت رسول اکرم نیز لازم است. از منظر دلایل عقلی هم «بدیهی است که ضرورت اجرای احکام که تشکیل حکومت رسول اکرم را لازم آورده، منحصر و محدود به زمان آن حضرت نبوده و پس از رحلت رسول اکرم نیز ادامه دارد و تا ابد باقی و لازم الاجراست.» به اعتبار امام خمینی، عدم پذیرش این اصل «بر

امام هدف خود را برای جهان اسلام تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل قرار داده بودند و به تاسیس حزب عالمی مستضعفین می‌اندیشیدند که دربرگیرنده «تمام مستضعفین دنیا، اعم از مسلم و غیر مسلم» باشد.

دیگری نیز ماهیت و کیفیت قوانین اسلام و لزوم وضع قوانین مورد نیاز هر عصر بر اساس قرآن کریم و شریعت، از جمله احکام مالی (خمس، زکات، جزیه، خراج)، احکام دفاع، احکام حقوقی و جزایی را دلیل دیگری بر لزوم تشکیل حکومت می‌شمارند که این گونه قوانین جز برای تکوین یک دولت برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح نگشته است و اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت اسلامی است. لازم به ذکر است که تشکیل حکومت اسلامی با تمام ضرورت و اولویتی که در اندیشه سیاسی امام خمینی دارد فقط ابزاری برای نیل به هدف غایی اسلام می‌باشد که همانا تربیت انسانهای مقدس و پاک و مفید به حال بشریت است تا جامعه ای امن و زمینه ای برای تحقق عدالت و رشد معنوی و مادی و سعادت آحاد بشر شکل پذیرد.

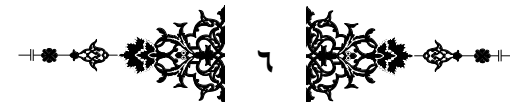
حضرت امام در مقطع جوانی خود شاهد ظهور و پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه، فروپاشی عثمانی و بروز اندیشه های ناسیونالیستی در مسلمانان منطقه و نهضت مشروطه در ایران بود که با غلبه جریان روشنفکری غربگرای وقت به سوی هدف جدایی دین از سیاست حرکت نمود و در نهایت ناکام از دستیابی به یک نظام مشروطه در چارچوب لیبرالیسم غربی، به مدت چند دهه زمام امور را به دیکتاتورهای سپرد که هم اساسی خود را بر دین زدایی از سیاست و جامعه ایران نهاده بودند. در چنین محیطی با فرض مسلم عدم جدایی دو حوزه دین و سیاست، در بخش ایجابی کلیه آثار خویش به تبیین این اندیشه سیاسی و شرایط عقلی زمامدار در دوره غیبت و نصب عام فقیه عادل از سوی حضرت صاحب الامر پرداخته‌اند و در نهایت جمهوری اسلامی را با تاسیس ساختاری مدون و نهادهایی ملازم با تامین حقوق سیاسی مردم در چارچوب اجرای قوانین دین اسلام در ایران بنیان نهاده‌اند. در بخش سلبی نیز با محکوم کردن هر حاکمیت غیرخدایی و غاصب

اغفال و بلعیدن ماست. ایشان با اشاره به وتوی آمریکا در سازمان ملل علیه اکثریتی که مخالف انضمام جولان به مناطق اشغالی اسرائیل بودند و تشبیه حق وتو به بدتر از قانون جنگل و بدتر از سرنیزه می‌فرمایند: «رای بر خلاف در این سازمانها اثر ندارد، چون آمریکا ایستاده و با یک "نه" او تمام می‌شود.»

امروز و بیست سال پس از رحلت امام خمینی و تجربه دو جنگ ناعادلانه و غیرمقارن سی و سه روزه در ۲۰۰۶م. لبنان و بیست و دو روزه در ۲۰۰۹م. غزه مظلوم و نیز ناتوانی مجامع مدعی بین‌المللی در رفع محاصره وحشیانه کنونی مردم عزتمند غزه، جهان بیش از هر زمان به ناکارآمدی و فلج پیکر این بت خودساخته در حمایت از قربانیان تجاوز و تامین حداقل حقوق جنگزدگان و مصیبت‌دیدگان پی برده است. این نهادها گرچه علیرغم دستگاههای عریض و طویل و تحمیل هزینه‌های سرسام آور تشریفاتی و عملیاتی بر کرده ملت‌ها، در هنگام بروز مناقشات و ضرورت‌ها، فاقد کمترین نقش موثر می‌باشند، لکن در مقام اعاده مطالبات قدرتمندان با اهرم شورای امنیت و حق وتو و از طریق مشروعیت بخشیدن به تجاوزات با ساز و کار حقوقی، سد محکمی در مسیر تامین حقوق اساسی ملت‌های عضو ایجاد می‌کنند.

### تبیین ماهیت، اشکال و اخلاق مقاومت

تردید نیست که جریان‌های مقاومت موجود در منطقه از نظر زمان تشکیل و رویکرد عقیدتی، متأثر از گفتمان مقاومت در انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار آن می‌باشند. در تبیین وجوه مقاومت از دیدگاه امام خمینی، باید بر ماهیت "تدافعی" مقاومت تاکید بیشتری نمود. ایشان در رساله عملیه خود که مرجعی روزمره برای عمل به احکام و تکالیف دینی نزد شیعیان است، به وجوب دفاع در برابر مهاجمین پرداخته و می‌نویسند: «مساله ۲۸۳۵- اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد؛ از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.» پس قدر متیقن این است که در نظام اسلامی ایران و بطریق اولی در فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص)، در روابط با دیگران - از سطوح فردی تا مناسبات بین‌الدولی - اصل بر صلح و دوستی، مسالمت جویی و احترام متقابل می‌باشد و این اصل در واژه «السلام علیکم» که کلید واژه متعارف ابتدا و انتهای همه ملاقاتها در جامعه مسلمانان است بخوبی متجلی شده است. آرزوی صلح و امنیت و همزیستی در محیط برادری، شعار همه روزه مسلمانان خطاب به همکیشان و غیر آنان است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول قاطعی در نفی هرگونه سلطه‌گری و پرهیز از خوی تجاوزگری و نیز نفی سلطه‌پذیری وجود دارد. بر این اساس همان‌طور که نظام اسلامی سلطه‌طلبی علیه خود را بر نمی‌تابد، خود نیز از ورود به مواضع ظلم و تعدی پرهیز



راجل : « شعار نه شرقی، نه غربی ما شعار اصولی انقلاب اسلامی درجهان گرسنگان و مستضعفان بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی است... کسی گمان نکند که این شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است.» معظم له در وصیت نامه سیاسی الهی خود خطاب به همه مسلمانان و مستضعفان جهان وصیت می‌کند که : « شما نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند.» بدیهی است که عدم اتکا به قدرتها و تنازع درحوزه منافع آنها، امر مبارزه را با دشواریهای مضاعف مواجه می‌سازد و این همان اتفاقی بود که در جریان دفاع مقدس ۸ ساله ایران علیه ارتش صدام، همزمان دبلوک شرق و غرب و رهبری به ظاهر متقابل آنها را در کنار هم و در جایگاه مقابله با ایران اسلامی قرار داد؛ لکن به لطف حمایت حق تعالی ملت ایران با حفظ استقلال مبارزاتی خود از دستیابی دشمن به اهداف سیاسی و نظامی‌اش ممانعت کرد.

### قطع امید از سازمانها و نهادهای بین المللی

حضرت امام خمینی با مشاهده رفتارهای نهادهای بین المللی و ارزیابی اهمیت نقش آنها در احقاق حقوق غصب شده ملت‌های تحت سلطه، ماهیت وابسته آنها را افشا نموده و پیوسته از قبول مرجعیت آن نهادها در حل و فصل مناقشات و دعاوی مستضعفان علیه مستکبران نهی می‌فرمود. از دیدگاه ایشان « این سازمانها را غرب برای منفعت خودش

بنا کرده است و برای مظلومها نیست.» ایشان با بازخوانی مشقات و مصائب ملت ایران در طول بیش از ۵۵ سال سلطنت پهلوی، تصادم منافع قدرتهای بزرگ و ملت‌های ضعیف را منشاء اعمال نفوذ قدرتها بر مجامع بین المللی دانسته و شورای امنیت و سازمان ملل را مجالسی فرمایشی می‌خوانند که ماموریت آنها فریب محرومان و ملل ضعیف است. ایشان با نفی ارزش احکام صادره از این نهادها با اشاره به محکوم کردن ایران در ماجرای گروگانگیری جاسوسان آمریکایی می‌فرمایند: « آن مجالس ابدا پیش ما ارزش ندارد. غلط کردند محکوم کردند. اشتباه کردند.»

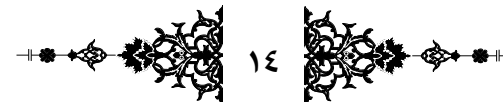
امام خمینی « حق وتو» را پدیده ذاتی و برخاسته از بنیادهای تبعیض‌آمیز این گونه مجامع می‌دانند که به دست قدرتمندها درست شده‌اند و بازبهای فریبکارانه و پوشش دفاع از حقوق بشر آنها، مانور سیاسی برای

شمردن حکومت‌هایی که فاقد صلاحیت فقهی برای اداره جامعه اسلامی می‌باشند، در سطح داخلی خود به مبارزه همه جانبه با رژیم پهلوی قیام کرده و به حکم وجوب مبارزه هر مسلمان با حاکم طاغوتی، ایرانیان را برای اقدام علیه شاه ظالم بسیج نموده‌اند. معظم له پس از پیروزی انقلاب در ایران و ارتقای سطح مبارزه به رویارویی با استکبار جهانی، هدف خود را برای جهان اسلام تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل قرار داده بودند و به تاسیس حزب عالمی مستضعفین می‌اندیشیدند که دربرگیرنده « تمام مستضعفین دنیا، اعم از مسلم و غیرمسلم» باشد که در صورت تاسیس چنین حزبی « هیچ قدرتی با این قدرت ها ن می‌تواند مقابله کند.» و مضافا در سطح جهانی، نظام طاغوتی آمریکا را « شیطان بزرگ» دانسته و به این لحاظ آن را فاقد صلاحیت برای قبضه قدرت در نظام بین الملل شمرده و مبارزه با آن را در راس اهداف ضد استکباری امت اسلام تعریف کرده بودند.

### احیای گفتمان و ادبیات دینی

در روند تکامل مبارزه داخلی، حضرت امام خمینی با اجتناب از ادبیات مبارزه رایج در اردوگاه شرقی و نیز پرهیز از سیاسی فرد محور لیبرالیسم غربی، به خلق گفتمان و زبان مستقلی برای جبهه مقاومت اسلامی اقدام نمودند و با بازخوانی واژه ها و عبارات در ادبیات مذهبی، یا بار جدیدی به معنای آنها

افزودند و یا پیرایه‌هایی را که موجب انحراف از مفاهیم اصیل شده بود، زدودند. جاذبه ادبیات نوین و ناب حضرت امام خود عنصری موثر در تبلیغ مرام انقلابی ایشان شد که بزرگان این عرصه را در مواجهه فرهنگی با غرب و شرق مستغنی نمود و به خودکفایی و خودباوری رسانید. قرائت حضرت امام از دین اسلام مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) در ابعاد نظری و عملی و به دور از تجر و غریب‌دگی بود تا بشر گریخته از حوزه دیانت را به نیاز فطری خود توجه و ارجاع دهد. «ایمان به غیب» در عصر علم‌زدگی افراطی و باور به وجود نیروهای غیبی الهی در حمایت از مخلصین و مبارزین حق طلب، رمز گشایی از واژه‌هایی چون تکلیف، جهاد، شهادت، انتظار و عرضه الگوی شهادت‌طلبی به عنوان نوعی «سبک زندگی» برای مسلمانان مبتنی بر رابطه مستقیم و پیوسته با آفریدگار خود، و باز تعریف جایگاه فرد در رابطه با خود و خداوند و جامعه و تبیین معیارهای تعیین اولویت در بزنگاه‌های مهم و حیاتی در زندگی افراد و جوامع، تاکید بر سلاح روحی و روانی تزکیه و جهاد با نفس برای کسب آمادگی همه جانبه در عمل به تعالیم اسلام، اتکا به انگیزه‌های اعتقادی به عنوان موتور



محركه حرکت انقلابی و شناسایی مومنین بعنوان «فاعل انقلابی»، از جمله تحولاتی بود که در گفتمان دینی امام خمینی در مقایسه با پیشینیان شاخص بوده است.

امام خمینی با طرد واژه‌های کلیدی مبارزان ضدامپریالیست چپگرا و گزینش کلمات اصیل قرآنی، به خلق ادبیاتی دینی - انقلابی اقدام نمود که در آن، «استکبار» واژه معادل «امپریالیسم» بود، به این استناد که اول کسی که کبر ورزید شیطان بود که از پذیرش فرمان باری تعالی در سجده به آدم سر باز زد، زیرا که خود را برتر از مخلوق جدید می‌شمرد. استکبار در این معنا ریشه تمام مفاسد و دشمنی‌ها و تجاوزات به دیگران و عدول از حق و فرمان الهی است. پیداست که این کلمه ظرفیتی فراتر از «امپریالیسم» داشته و بر اشکال گوناگون سلطه‌گری قابل انطباق است. در بین مستکبران معاصر، لقب «شیطان بزرگ» خاص آمریکاست که در راس جریان استکباری و متجاوز غرب و جهان سرمایه‌داری قرار دارد و دشمنی مومنان به اسلام سیاسی و انقلابی و مظلومین جهان با او، مهم‌ترین رکن استراتژی مقاومت امام خمینی تلقی می‌گردد. در برابر استکبار، جریان «استضعاف» تعریف می‌شود که قربانی ستمگری و کبرورزی مستکبران است. اعمال سلطه و تحمیل ضعف بر این گروه از وجوه مختلف اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی و ... ممکن است؛ واژه «مستضعف» نیز شامل همه اشکال مظلومیت و محرومیت است و بر کشاورز و کارگر و هر انسان محروم از حقوق طبیعی و ابتدایی خود قابل انطباق است. امام راحل با گسترش حوزه مخاطبان دعوت خود به همه مستضعفین عالم، بر لزوم اتحاد میان آنها تاکید کرده و می‌فرمایند: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌گران بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند.» ایشان «همه ملت‌ها، حتی آن ملت‌هایی که الهی هم نیستند» را در زمره مستضعفان می‌دانند و تاکید می‌فرمایند که «همه ما باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان از هر مسلک و مذهبی که باشند تحقق پیدا کند.»

در انقلاب فرهنگی امام خمینی، مذهب که طی دهه‌ها عامل تخدیر و رکود توده‌ها تعبیر می‌شد، به جوهری پویا، حرکت آفرین و رهایی بخش تبدیل شد که تکیه بر آن موجب کسب قدرت و کرامت از منبع لایزال الهی و نیل به آمادگی برای مبارزه با ستمکاران است و «عزم جزم برای نابودی همه شکل سلطه‌ها را دارد.» ادبیات سیاسی امام راحل از این لحاظ قابل مقایسه با شورانگیزترین جملات رهبران انقلابی چپگرا،

ارزیابی است و به همین دلیل، محور امپریالیسم - صهیونیسم با تمرکز تبلیغاتی بر این فراز مهم از استراتژی مقاومت اسلامی ایران، تهاجم وسیع رسانه‌ای علیه حاکمیت اسلامی ایران سازمان داده و کوشید تا با القای تهدید به سران وابسته منطقه، آنها را به اتخاذ مواضع شاذ علیه ایران و سرکوب امواج علاقمندان انقلاب اسلامی در کشورهای خود وادار نماید. لکن گذر زمان نشان داد که محرومین و پیروان جبهه حق و عدالت، کماکان نظام جمهوری اسلامی ایران را، نظام آرمانی خود می‌دانند و با تایید سیاست‌های کلی آن، مجموعه نظام و ملت انقلابی ایران را شایسته رهبری جبهه مقاومت ضد امپریالیستی - صهیونیستی در منطقه و حتی فراتر از آن می‌شناسند.

### اصل نه شرقی؛ نه غربی؛

از دیدگاه حضرت امام خمینی استقلال یک جریان مبارزاتی از قدرتهای بزرگ - در سطح اندیشه و عمل - شرط اول حضور در میدان مبارزه است. در تحولات معاصر ایشان، دو ابر قدرت شرق و غرب با تقسیم جهان به دو اردوی تحت نفوذ خود منافع استراتژیک نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را تعقیب می‌نموده‌اند و در روند حفظ و گسترش این منافع با جنبش‌هایی که بدلالی در درگیری با بلوک مقابل به بلوک دیگر تکیه کرده بود به عنوان یک کارت بازی معامله می‌کردند؛ مثال بارز این خیانت در ایران، نهضت «میرزا کوچک خان جنگلی» بود که با خیانت شوروی به شکست کشیده شد. سابقه و عملکرد منفور حزب توده ایران در مقطع نهضت ملی شدن نفت در ایران و پیگیری بی‌پرده اوامر تشکیلاتی همسایه شمالی در مطالبه امتیاز نفت شمال و نهایتاً خیانت به دولت ملی نیز از یک سو و وابستگی عمیق و اسارت همه جانبه رژیم پهلوی در دست امپریالیسم غربی و مصیبت ملت ایران در تضييع همه حقوق اساسی و انسانی خود از سوی دیگر، موجب آن شد در مسیر مقاومت، اصل حفظ استقلال از دو بلوک قدرت مورد تاکید قرار گیرد و تحقق همه جانبه پیروزی و کسب استقلال تداوم یابد. این اصل به تمامی زمینه‌های داخلی و خارجی تسری داشته و سبب محافظت جریان مقاومت از سلطه مستقیم یا غیرمستقیم ابرقدرتها و مانع از بازی آنها با کارت مبارزین خواهد شد. حضرت امام خمینی با نقد جریان غیرمتعهدها، نسبت به حقیقت عدم تعهد در بخشی از مدعیان تشکیک می‌کنند که نمونه «مبارک» دیکتاتور مصر گواه مستندی بر صحت تردید ایشان است؛ فردی که سرسپردگی و تعهدش به تامین منافع دشمنان مردم منطقه، اظهر من الشمس است و در هماهنگی و همکاری با صهیونیسم و امپریالیسم، بزرگترین جنایتها را علیه مردم مظلوم فلسطین روا داشته است که نفوذ چنین عنصری در جبهه مقاومت جز انحراف و یا هتک حیثیت آن جبهه ثمری نخواهد داشت. به فرمایش امام





برگرفته از دهها سال تلاش علمی و اعتقادی یک عالم مبارز و وارسته از گنجینه معارف اسلام ناب محمدی (ص) است به عنوان هدیه انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن در کشورهای منطقه ترویج گردد. ایشان از مردم می‌خواستند تا با بازگشت به فرهنگ ارزشمند و مبانی عقیدتی و تربیتی قرآن کریم، هویت اسلامی خود را احیا و با بهره‌گیری از ابزار علم و اطلاعات، مراتب دشمن شناسی خود را تقویت نمایند؛ چه

صدر انقلاب به منزله گسترش میدان و عمق «جنگ نرم» علیه دشمن استکباری قابل ارزیابی است.

ورود در هر منازعه‌ای بدون احراز صلاحیت در تشخیص جبهه حق و باطل، عین به هلاکت افتادنی است که قرآن مجید مومنین را از آن نهی کرده است. در حالی که پس از تشخیص سپاه حق و الحاق به آن «احدی الحسین» در انتظار مبارزین است و اگر کشته شوند یا بکشند، به پیروزی که همانا تقرب به آفریدگار خود است دست یافته‌اند. معظم له با تاکید بر این حقیقت که انقلاب اسلامی می‌تواند راه نجاتی پیش پای مظلومان بگشاید و قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها را به مخاطره افکند می‌فرماید: «ما در سدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم و اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و هم چنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.» ایشان با آرزوی صدور انقلاب به همه ممالک اسلامی بر لزوم ایستادگی و مقاومت همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران تاکید کرده و می‌فرماید: «حق گرفتنی است» و «کم کردن سلطه جهانخواران جز با گسترش نفوذ اسلام ممکن نیست و از این که در روند تحقق این هدف، نوکران آمریکا

آن را توسعه طلبی و یا تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ نام گذارند از دیدگاه حضرت امام خمینی استقلال باکی نداریم.»

از منظر امام خمینی «صدر انقلاب» پدیده‌ای فرهنگی است حضور در میدان مبارزه است.

که نیازی به ابزارهای پیچیده و نقشه‌های نظامی ندارد. عشق مردم و مظلومین جهان به عدالتخواهی و منادیان واقعی حقوق بشر که در عرصه مبارزه با ظلم و استکبار امتحان خود را پس داده‌اند و توفیق نظام اسلامی ایران در دستیابی به اهداف متعالی خود بهترین وسیله برای صدور انقلاب است.

در این رویکرد، صدور انقلاب به منزله گسترش میدان و عمق «جنگ نرم» علیه دشمن استکباری قابل

بلکه پر شورتر از شعارهای آنهاست: «هان ای مظلومان جهان! از هر قشر و کشوری که هستید، به خود آید و از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید.» ایشان با اشاره به این واقعیت که «امروز در دنیا از آمریکای لاتین گرفته تا کشور شوروی، آمریکای مرکزی تا همه جای دنیا، مظلومین بیدار شده‌اند و نمی‌پذیرند از آنها آن چیزهایی را که در سابق می‌پذیرفتند. و امروز این قدرتها هستند که باید حرف ملت‌ها را گوش کنند.» با القای امید قطعی به پیروزی نهایی خطاب به مسلمانان جهان و همه مستضعفان تحت سلطه ستمگران می‌فرماید: «بپا خیزید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.»

### فراتر از ملی‌گرایی

مردم خاورمیانه به لحاظ وابستگی بخش کثیری از حاکمان منطقه به قدرتهای امپریالیستی، همیشه در آرزوی استقلال ملی و افزایش اعتبار و احترام ملت خود در جامعه جهانی بوده‌اند و جنبه مثبت «ناسیونالیسم» از لحاظ تقابل با

از دیدگاه امام خمینی، اسلام دینی با ماموریت جهانی است... به این لحاظ نمی‌توان دعوت و اتحاد دینی را به مرزهای جغرافیایی یا نژادی و قبیله‌ای محدود کرد.

جریان فاسد دست نشاندگی و عاملیت بیگانگان، محمل مناسبی برای مبارزه استقلال طلبانه آنان و دفاع از هویت ملی و اهداف ملی تلقی می‌شده است اگر چه که بنیانگذار اندیشه ناسیونالیسم عربی خود با محوریت همین اندیشه به آرمانهای جهان عرب پشت کرد و راه ننگین سازش با اسرائیل را برای حفظ و تامین منافع ملی خود در پیش گرفت. در مقام مقایسه از دیدگاه امام خمینی، اسلام دینی با ماموریت جهانی است که از این حیث با دیگر ادیان توحیدی پیش از خود مغایرتی ندارد. به این لحاظ نمی‌توان دعوت و اتحاد دینی را به مرزهای جغرافیایی یا نژادی و قبیله‌ای محدود کرد. از منظر اسلام قومیت‌گرایی، ملی‌گرایی، و نژادپرستی وجوه مختلف یک پدیده واحدند که جوهر آن قبول تبعیض بین آحاد بشر بر اساس یک ویژگی تقدیری و غیراکتسابی است. این تبعیض که غالبا به ورطه برتری‌جویی می‌غلطد، می‌تواند در بین باورمندان به این وجه امتیاز، زمینه ساز خصومت شود؛ همان گونه که در دهه چهارم قرن بیستم، ناسیونالیسم افراطی فاشیست‌ها در رقابت هویتی با مدعیان دیگر اروپایی، جهان را به آتش کشانید.

اسلام «نژادپرستی» را پدیده‌ای ارتجاعی و بازگشت به عصر جاهلی می‌داند؛ در حالی که مخاطب دعوت پیامبران، کل بشریت در طول تاریخ و عرض جغرافیاست و هدف دعوت آنان نیز تامین سعادت دنیوی و



اخروی بشر براساس برادری و صلح و دوستی، بر محور عدالت و عدم امتیاز و تفوق گروهی بر گروه دیگر است. بدیهی است امروز هیچ انسان آزاده و منصفی «نژادپرستی» را تایید و تبلیغ نمی‌کند و قابل انکار نیست که «قوم‌گرایی» و «ملی‌گرایی» مراتب پایین‌تر و کم‌شدت‌تر از همان تفکر تبعیض‌آمیز است که زمینه رقابت و تنازع بر سر منافع را گسترش داده و به عامل تفرقه مستضعفین تبدیل می‌شود تا جایی که در گرایش افراطی خود، «شوونیسم»، به نژادپرستی کور میل می‌کند. از منظر اسلام و امام خمینی انسانها آزاد و برابر آفریده شده‌اند و به لحاظ ماهیت انسانی خود از حقوقی برخوردارند که صرف نظر از ملیت و قوم و نژاد و نسب، باید اعاده شود و وجه تمایز آنها تنها در میانی اعتقادی و عمل آنهاست. اساس اسلام بر تربیت انسان و تامین زمینه‌های رشد و هدایت است و معیار برتری انسانها بر یکدیگر، ارزش آرمانها و اهداف و میزان عمل به تعالیم الهی و وظایف دینی خود است. طرح هر مبنای دیگری برای امتیاز، به ایجاد زمینه‌هایی برای اعمال تبعیض و سلطه‌طلبی در جوامع بشری منتهی خواهد شد.

از دیدگاه امام خمینی صلح و جنگ بین انسانها بر اساس مکتب و خاستگاه اعتقادی آنان شکل می‌گیرد نه رابطه نسبی یا سببی میان آنها. همان‌گونه که رسول مکرّم اسلام با نفی هر گونه الگوی مبتنی بر مناسبات «هم‌خونی» و «هم‌قبیله‌گی»، انقلاب بزرگ اجتماعی را در ۱۵ قرن پیش رهبری نمود و با هدایت مسلمانان به رعایت مرزهای عقیدتی و با تکیه به آیه شریفه «انما المومنون اخوه»، و حتی خلق آداب و آیین خاص «عقد اخوت»، می‌کوشید تا پیوندها و وفاداریهای جدیدی را بر اساس اصول فکری دین مبین به مسلمانان بیاموزد و در همین زمینه بود که بسیاری از پیوندهای قبیلہ‌ای گسسته شد و مردان و زنانی که قبلاً به دفاع از یک خون ریخته شده از قبیلہ خود، دهها سال با قبیلہ دیگر در جنگ و کشتار می‌شدند، با برادر و بستگان خود، دردو سوی میدان عقیده و مکتب به قتال ایستادند.

تجربه تلخ مشاهدات تاریخی حضرت امام گواه آن بود که تبعات «ملی‌گرایی» معاصر ایشان، سلب نقطه اتکا و اتحاد مسلمین و در مقابل هم قرار دادن برادران هم‌جبهه به نام ملیت و منافع ملی بوده که به اضمحلال قدرت و تضعیف نهضت و نهایتاً قربانی شدن تمامی آنان در پیشگاه منافع استعمارگران و غصب و غارت منابع مادی و معنوی آنان انجامیده است. برای مثال با این که امروز وجدان بیدار حامیان مقاومت ملت مظلوم فلسطین، سازش انورالسادات معدوم با رژیم غاصب را در کمپ دیوید محکوم می‌کند، اما در مکتب ملی‌گرایان، صلح و سازش با ظالمان در فرض تامین منافع و اهداف ملی، عملی عقلانی است. در حالی که با مطالعه عمیقتر مشخص می‌شود که این ادعا مقبول نیست؛ زیرا در وهله اول با تنازل ماهیت و سطح مطالبات

به سود دشمن مشترک، خواسته‌ها به منافع گروههای کوچکتری محدود می‌شود؛ در گام دوم به علت جدایی ملتها از هم در مستضعفان باید با عبور از مرزهای ساختگی و ورود به حوزه مشترک منافع انسانهای محروم، با قبول وحدت استراتژیک و عملیاتی برای مصالح عمومی بشریت و تامین حقوق خود از ابتدایی تا عالی اقدام کنند.

ناکام می‌گردند، و در مقطع نهایی اتحاد مجدد ملتهایی که یکدیگر را در رویارویی با خطر رها کرده و با عافیت طلبی و یا فرصت طلبی خود، به اردوی دشمن یاری رسانیده‌اند غیرممکن می‌شود؛ که این به معنای فراهم کردن زمینه تفوق همه جانبه دشمن بر همه آنان می‌باشد. از سوی دیگر پیگیری مطالبات شخصی و نفسانی که می‌تواند حتی آتش جنگ بین دو برادر همخون را برافروزد، امری نیست که در سطح ملتها و حوزه منافع ملی آنها غیر قابل وقوع قلمداد شود.

بدین لحاظ چون اساس ملی‌گرایی بر دفاع مطلق و غیرمشروط از مظلومین و وحدت مطالبات و تجمیع قدرت آنها نبوده، و برعکس حکم به تفرقه، مطالبات غیرهماهنگ و اختصاصی، و حتی بی‌تفاوتی نسبت به مصائب دیگر مستضعفان می‌دهد، حتی اگر در عرصه مبارزات ملی کارآیی محدودی هم داشته باشد، در عرصه جبهه مقاومت ضد استکباری جایگاهی نداشته، و خود نیز برای ورود به این صحنه فاقد انگیزه و توجیه تئوریک می‌باشد. از این رو اگر چه امام راحل می‌فرمود که ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم و وطن و زادگاه را محترم می‌شماریم، اما معتقد بود که اسلام مرز نمی‌شناسد و همان طور که مستکبرین برای جستجوی منافع مشترک خود فعالانه در شراکت و تحرکند، مستضعفان نیز باید با عبور از مرزهای ساختگی نژادی و جغرافیایی و ورود به حوزه مشترک منافع انسانهای محروم، با قبول وحدت استراتژیک و عملیاتی برای مصالح عمومی بشریت و تامین حقوق خود از ابتدایی تا عالی اقدام کنند.

### اصل صدور انقلاب

حضرت امام خمینی برای عبور از جریان منحرف «فرقه‌سازی» برای تشویه چهره اسلام ناب و «فرقه‌گرایی» و تعصبات کور مذهبی به سود دشمنان اصلی جهان اسلام که با تحریک احساسات توده‌های ناآگاه و ارسال گرای غلط از هویت دشمن، بیشترین آسیب حیثیتی و خسارات انسانی را به جریان مقاومت وارد می‌کند و مانع از تشخیص و تهدید دشمن اصلی یعنی محور امپریالیستی - صهیونیستی می‌شود، درمندان در پی صدور انقلاب اسلامی ایران به مسلمانان منطقه بودند و اصرار داشتند تا این مجموعه سازمند عقیدتی که

